

عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مظفر صیدی^۱

امروزه نقش هر کشور در سیاست‌های جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی است و جغرافی‌دانان سیاسی معتقدند که قدرت هر کشور به شدت از محیط جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان و منطقه تغییر یافت و به عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق بجای مانده از امپراطوری شوروی با خلاء قدرت مواجه گردید. این منطقه به جهت موقعیت ارتباطی و منابع انرژی فراوان به صحنه کشمکش بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران به علت همسایگی و اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی نمی‌تواند به مسائل امنیتی این کشور بی‌توجه باشد زیرا ثبات جمهوری آذربایجان در تأمین امنیت ملی ایران اهمیت بسیار دارد. ایالات متحده آمریکا به بهانه‌های مبارزه با تروریسم به همراه اتحادیه اروپا و ناتو در کنار ترکیه، بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه می‌باشند و در صحنه جمهوری آذربایجان حضور فعال دارند. از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان به دلیل جهت‌گیری غرب‌گرایانه، ادغام در ساختارهای یورو آتلانتیکی، یافتن راه حلی برای غلبه بر بحران قره‌باغ و مشکلات داخلی خود را در خارج از منطقه جستجو می‌کند.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت، سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

^۱. پژوهشگر حوزه مطالعات قفقاز

مقدمه

در سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک که از نظر لغوی به معنای سیاست زمین است، نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی، مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن می‌باشد. اگر چه امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم‌گیری سیاسی است، اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت اقدام دولت‌ها تعریف می‌شود و اغراق نیست اگر گفته شود جوهر ژئوپلیتیک را قدرت و توان ملی تشکیل می‌دهد. به این معنا که موضوع ژئوپلیتیک رابطه میان عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر با سیاست دولت‌ها در پرتو قدرت بالقوه و بالفعل است. کشورها سعی می‌کنند از طریق تحلیل ظرفیت قدرت و بررسی عوامل ژئوپلیتیکی زمینه دستیابی به قدرت بیشتر را به منظور پشتیبانی لازم از منافع و امنیت ملی خود را فراهم نمایند. بنابراین عوامل ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر عواملی هستند که از ماهیت جغرافیای سیاسی برخوردار بوده و ویژگی‌های جغرافیای سیاسی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی، امنیت ملی، تمامیت‌ارضی، بقاء و موجودیت کشورها است. به نحوی که چشم پوشی از آنها ممکن است امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقاء و موجودیت یک کشور را به خطر اندازد. از طرفی اگر تأمین منافع و اهداف ملی و در نهایت حفظ تمامیت ارضی یک کشور، محور اصلی و اساسی سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی حکومت آن است، پس بایستی مبتنی بر استراتژی ژئوپلیتیکی باشد تا در عرصه بین‌المللی و نظام جهانی به خواسته مطلوب خود برسد.

در میان دولت‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کشور با دارا بودن بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این که دارای خصوصیات جغرافیایی، ژئوپلیتیکی، تاریخی و فرهنگی خاص خود می‌باشد، دارای منابع قابل توجه نفت و گاز و دومین کشور شیعه در جهان بعد از ایران و از جمله مهمترین همسایه ایران محسوب می‌شود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی و تمامیت ارضی خود ضرورت دارد نسبت به عوامل اساسی و ژئوپلیتیکی موجود میان دو کشور شناخت کافی و دقیقی کسب نماید و در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و سیاست خارجی خود با

جمهوری آذربایجان، توجه قابل ملاحظه‌ای به آنها داشته باشد. در این مقاله محقق در صدد است، شاخص‌های عوامل ژئوپلیتیک مانند (منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و سیاست) جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

مطالب این مقاله در سه بخش به شرح زیر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد که عبارتند از:

بخش اول) بررسی عوامل ژئوپلیتیکی (منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و سیاست) جمهوری آذربایجان
بخش دوم) تجزیه و تحلیل
بخش سوم) نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بخش اول: بررسی عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

الف) موقعیت جغرافیایی

سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نام گرفته است در اثر جنگ‌های روسیه و ایران طی قراردادهای گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ از ایران جدا و ضمیمه روسیه گردید و برای نخستین بار پس از سقوط امپراتوری روسیه در سال ۱۹۱۷ و با روی کار آمدن بلشویک‌ها با استفاده از خلاء قدرت و با کمک ترک‌های عثمانی موفق شد در سال ۱۹۱۸ حکومتی تحت عنوان جمهوری آذربایجان را تشکیل دهد. این حکومت در سال ۱۹۲۰ از سوی ارتش سرخ روسیه لغو و قلمرو آن در داخل اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت که تا سال ۱۹۹۱ یعنی تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به حیات خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۱ در کنار دیگر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی آذربایجان نیز اعلام استقلال کرده و به عنوان کشوری مستقل به عضویت سازمان ملل متحد در آمد. (امیر احمدیان (الف)، ۱۳۸۵: ۳۰)

این کشور با مساحت ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع در کنار ارمنستان و گرجستان منطقه قفقاز جنوبی را تشکیل می‌دهند که بین دریای خزر در شرق، دریای سیاه در غرب، روسیه در شمال و در جنوب با جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۷۶۷ کیلومتر مرز مشترک قرار دارد. این کشور در بین کشورهای قفقاز جنوبی به جهت وسعت و جمعیت بیشتر، منابع انرژی فسیلی، آب و خاک نسبتاً مناسب بطور بالقوه بیشترین امکان را برای رشد کشور و

رسیدن به قدرت ملی بالا را دارا است و دارای موقعیتی ویژه است که از گذشته های دور مورد توجه دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است. بطور کلی می توان گفت که جمهوری آذربایجان به جهت شرایط طبیعی و اقلیمی خود یکی از بهترین سرزمین ها است؛ موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان و قرار گرفتن این منطقه بر سر راه های غرب و شرق و به عبارت دیگر اروپا و کناره های دریای سیاه و مدیترانه از یک سو و جنوب و شمال یعنی ماوراءالنهر و قفقاز و ماورای قفقاز از سوی دیگر زمینه مساعدی برای پیشرفت اقتصادی این منطقه فراهم می آورد. (تراب زاده، ۱۳۷۳: ۱۲۱)

مشکلات استراتژیک جمهوری آذربایجان

مشکلات استراتژیک و عمده جمهوری آذربایجان که از دیدگاه این جمهوری در امنیت آن مؤثر است بدین شرح است:

۱. دو تکه بودن کشور، جدا بودن جمهوری خودمختار نخجوان از خاک اصلی جمهوری آذربایجان با مساحت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰۰ هزار نفر مشکلات زیادی را برای این کشور فراهم آورده است. برقراری ارتباط بین دو بخش کشور، در دوره اتحاد جماهیر شوروی با استفاده از راه های ارتباطی با گذر از منطقه قره باغ و دالان لاجین یا از راه های ارتباطی در امتداد دره رود ارس از عرض کشور ارمنستان صورت می گرفت. پس از فروپاشی شوروی و جنگ قره باغ این راه های ارتباطی قطع و جمهوری خود مختار نخجوان در انزوا قرار گرفت. از آن زمان به بعد جمهوری آذربایجان با استفاده از قلمرو جمهوری اسلامی ایران با نخجوان ارتباط برقرار می کند. بخش کوچکی از نخجوان در سمت شمال غربی با ترکیه هم مرز است که طول آن ۱۱ کیلومتر است و با کمک های ترکیه در محلی به نام صدرک، پلی بر روی ارس احداث شده است که با گذر از آن ارتباط زمینی با ترکیه برقرار می شود.

۲. اشغال ۲۰ درصد اراضی جمهوری آذربایجان توسط ارمنه و عدم امکان باز پس گیری آن از مجاری دیپلماتیک و ناتوانی نظامی در غلبه بر ارمنه و به تبع آن سرخوردگی ملت آذربایجان.

۳. جدایی از ترکیه توسط قلمرو ارمنستان و دشمنی ارمنه با ترک ها و آذری ها.

۴. وجود منطقه قومی تالش در جنوب شرقی در مرز با ایران که با جنبش‌های جدایی طلبی از اوایل استقلال روبرو بوده است. خود آگاهی و هویت خواهی تالش‌ها مشکلات زیادی را برای دولت آذربایجان بوجود آورده و با وجود سرکوب جنبش، این حرکات خاموش نشده و ادامه دارد.

۵. وجود منطقه قومی لزگی در شمال شرقی در مرز با روسیه (داغستان) که در اوایل استقلال با میانجیگری روسیه، موضوع فرو کش کرده ولی استعداد خیزش دوباره آنان بسیار زیاد است.

۶. کاهش طول مرزهای مشترک با ایران از ۷۶۷ به حدود کمتر از ۷۰۰ کیلومتر به علت اشغال قره‌باغ و پیرامون آن از سوی ارمنه قره‌باغ.

۷. تمرکز جمعیت در شبه جزیره آبخوران در شرق کشور.

۸. بحران هویت و ملت سازی از دیگر معضلات جدی جمهوری آذربایجان است، این جمهوری که در دوره تزاری بویژه در زمان اتحاد جماهیر شوروی دارای جمعیت گوناگون (آذری، اسلاو، ارمنی، گرجی، تالشی، کرد، تاتی، لزگی، یهودی،...) بود، نتوانست حکومتی بر مبنای ملت آذری برپا دارد. (امیراحمدیان، همان: ۳۲)

۹. شکل نامتناسب این کشور دو مشکل اساسی را پیش روی امنیت ملی آن قرار می‌دهد: مشکل اول، توپوگرافی کشور و وجود مرزهای دریایی و خشکی و رودخانه‌ها مجموعاً ترکیب نامتناسبی از حیث جغرافیایی نظامی را بر کشور تحمیل کرده است. این کشور کوچک مجبور است در تمام عرصه‌های مزبور نیروهای دفاعی و نظامی خاصی را تدارک ببیند که هزینه زیادی برای این کشور خواهد داشت، در نتیجه از کمیت و کیفیت و کارآیی تخصصی و حرفه‌ای برخوردار نخواهد بود. مشکل دوم، شکل گسیخته و غیر منسجم کشور است. نگاهی به نقشه جغرافیایی نشان می‌دهد که این جمهوری از شکلی تقریباً شش پنجه‌ای برخوردار است و بریدگی در خطوط مرزی آن زیاد مشاهده می‌شود. این امر باعث افزایش نسبت طول خطوط مرزی کشور با مساحت و نسبت جمعیتی آن می‌گردد. این امر نیروهای نظامی و دفاعی بیش‌تر و تسلیحات و تأسیسات نظامی زیادتری را طلب می‌نماید. (گیتاشناسی، ۱۳۷۴: ۷)

۱۰. انزوای ژئوپلیتیکی عدم دسترسی به آب‌های آزاد، جمهوری آذربایجان را در چارچوب محیطی گرفتار نموده است که به دلایل سیاسی، بین‌المللی، اقتصادی و طبیعی از پیرامون مجزا شده است. جمهوری آذربایجان در ضلع جنوبی با ایران در ضلع غربی با

ارمنستان، در ضلع شمالی با دو کشور روسیه و گرجستان و در ضلع شرقی با مانع طبیعی آب دربای خزر رو به رو است که به دلیل فقدان رژیم حقوقی مشخص و نبودن دیدگاه‌های مشترک و هم‌چنین نبود سازمان فضایی - ارتباطی گسترده میان کشورهای ساحلی منطقه، نوعی انزوا و جدایی بر جمهوری آذربایجان تحمیل شده است.

الف) امنیت جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان امنیت خود را در خروج از نفوذ روسیه و در محور پیوستن به غرب و ساختارهای یورو آتلانتیکی (اروپایی - آمریکایی) به ویژه ناتو جستجو می‌کند. در نقطه مقابل ایران در محور پیوستگی منطقه‌ای و دوری از محور آمریکا حرکت می‌کند. بنابراین در این زمینه جمهوری آذربایجان با سمت و سوی حرکت ایران موافق نیست. گرایش غربی جمهوری آذربایجان، این کشور را به مخالفت با گذر خطوط لوله انتقال نفت از طریق ایران و روی آوردن به غرب و گزینش خط لوله باکو - جیحان کرده است. اگرچه مقامات رسمی و دولتی جمهوری آذربایجان هیچ‌گاه در مخالفت با ایران رسماً اعلام موضع نمی‌کنند ولی شخصیت‌های سیاسی، احزاب و رسانه‌های مخالف ایران را برای ابراز مخالفت و جبهه‌گیری علیه ایران آزاد می‌گذارند و به آنان امکان می‌دهند تا فعالیت خویش را در پناه لابی‌های مخالف ایران و دور کردن مردم این جمهوری از ایران و تبلیغ تجزیه طلبی در آذربایجان ایران انجام دهند. (امیراحمدیان (الف): ۳۲)

ب) جمعیت (قومیت و مذهب) جمهوری آذربایجان

از نظر جمعیت جمهوری آذربایجان در میان جمهوری‌های قفقاز مقام اول را دارا است. بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۹۹۹ توسط دولت جمهوری آذربایجان این کشور بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت دارد و تعداد جمعیت در سال ۲۰۱۰ حدود ۹۴۴۵۰۰۰ نفر پیش‌بینی می‌شود. بر اساس این پیش‌بینی، این تعداد طی ۳۳ سال آینده دو برابر خواهند شد. (امیراحمدیان (ب)، ۱۳۸۶: ۶۵) البته موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان سبب سکونت اقوام متعددی در این جمهوری شده است. در این کشور بیش از ۲۰ قوم بزرگ زندگی می‌کنند. بیشترین جمعیت ۸۲/۶ درصد مربوط به آذربایجانی‌ها است که جمعیت بومی این جمهوری را با ۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۹ به خود اختصاص داده‌اند. پس از آذربایجانی‌ها، اسلاوها با ۶/۲ درصد از کل جمعیت قرار دارند.

روس‌ها در میان اسلاوها بیشترین نسبت را دارا بودند. ازدیاد روس‌ها در جمهوری آذربایجان بدلیل سیاست‌های استعماری روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی و نیز به دلیل اهمیت نفت جمهوری آذربایجان بود که از قرن نوزدهم به بعد در این منطقه تولید می‌گردید. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان به علت خروج قوای نظامی روس از آنجا و نیز تعطیلی بسیاری از مشاغل که در اختیار آنها بود و کنترل اداره امور جمهوری به دست آذربایجانی‌ها، جمعیت روس در این جمهوری تقلیل یافت. از طرفی در آمار رسمی دولت، جمعیت تالشی‌ها در جنوب شرقی جمهوری آذربایجان نزدیک مرز ایران و اطراف لنکران، آستارا، لریک و نواحی مجاور آن در استان اردبیل (۱۳۰۰۰۰ نفر) که اغلب مسلمان شیعه می‌باشند، تقریباً انکار می‌شود و کمتر از جمعیت قومی‌های لزگی، آوار و کرد نشان داده شده‌است. علاوه بر این تات‌ها، کردها، آوارها، اودین‌ها، تاتارها، یهودی‌ها و دیگر اقوام و ملل نیز در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. این بحران هویت و ملت‌سازی یکی از معضلات جدی جمهوری آذربایجان است و همواره مانع برپایی حکومتی بر مبنای ملت آذری شده‌است. (امیراحمدیان (ج)، ۱۳۸۲: ۹۲-۸۷)

جمهوری آذربایجان پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۹۱، خود را یک کشور سکولار اعلام کرد. هر چند دین به عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری سیاست داخلی جمهوری آذربایجان در رابطه با هم پیمانان منطقه‌ای خود پا بر جا مانده است. جدایی دین از سیاست در آغاز دهه ۹۰ هنگامی که ابوالفضل ایلچی‌بیگ و حیدر علی‌اف (روسای جمهور اسبق و سابق) کوشش‌هایی را برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با ترکیه آغاز کردند، به سرعت توسعه پیدا کرده بود. حمایت‌های ترکیه در سیاست‌های خارجی خود از جمهوری آذربایجان در جنگ قره باغ، این کشور را به سوی ترکیه جذب کرد. بنابراین فرایند دولت‌سازی سکولار در خدمت به الگوی جمهوری آذربایجان مستقل ادامه یافت. روح جدایی دین از سیاست را می‌توان در قانون اساسی سال ۱۹۹۵ جمهوری آذربایجان جستجو کرد که در آن به چهره‌های مذهبی اجازه داده نشده است در دوایر دولتی حضور داشته باشند. این ماده قانونی، هنگامی که در اثنای انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵، ثبت نام حاجی آقانوری رهبر حزب اسلامی را باطل اعلام کرد به چالش کشیده شد زیرا این حزب به عنوان یک حزب سیاسی در وزارت دادگستری به ثبت نرسیده بود.

ج) منابع انرژی (نفت و گاز) جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان، یکی از قدیمی‌ترین مناطقی می‌باشد که دارای منابع نفت در جهان است. بیش از ۱۰۰ سال است که نفت این جمهوری بطور مستمر مورد استخراج و بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در دو سوم مساحت جمهوری آذربایجان منابع عظیمی از نفت و گاز وجود دارد. البته از میزان ذخایر نفت و گاز جمهوری آذربایجان همواره توسط منابع اطلاعاتی مختلف، آمار متفاوتی ارائه شده است، برخی یکی از دلایل این امر را سوق دادن توجه شرکت‌های غربی برای سرمایه‌گذاری در این کشور توسط مقامات دولت‌های غربی به ویژه آمریکا می‌دانند که قصد دارند با بزرگ‌نمایی در میزان ذخایر نفت و گاز این کشور برای حضور مؤثر خود که عمدتاً با مقاصد سیاسی به ویژه کنترل ایران و روسیه صورت می‌گیرد، راهی را باز نمایند. شرکت بریتیش پترولیوم انگلستان که یکی از سرمایه‌گذاران اصلی در حوزه نفت جمهوری آذربایجان است، میزان ذخایر نفتی و گازی این جمهوری را در سال ۱۹۹۸ به ترتیب ۷ میلیارد بشکه و ۳۰ تریلیون فوت مکعب اعلام کرده است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز در سال ۱۹۹۸ میزان ذخایر نفت اثبات شده جمهوری آذربایجان را ۳/۶ تا ۱۲/۵ میلیارد بشکه و ذخایر گاز ثبت شده را ۳۱ تا ۴۰ تریلیون فوت مکعب برآورد کرده است. این منبع افزون بر این میزان ۲۷ میلیارد بشکه نفت و ۱۱ تریلیون فوت مکعب گاز را به عنوان ذخایر احتمالی آذربایجان اعلام کرده است. (مجله مطالعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳-۱۲: ۱۹)

بعد از استقلال این کشور، تولید نفت کاهش پیدا کرد به طوری که میزان تولید روزانه از حدود ۲۲۰ هزار بشکه در سال ۱۹۹۲ به حدود ۱۷۰ هزار بشکه در سال ۱۹۹۷ رسید. این میزان تولید در سال ۱۹۹۸ یک‌باره سیر صعودی به خود گرفت و بعد از آن طی ۵ سال متوالی میزان تولید نفت روزانه روند افزایشی پیدا کرد و در سال ۲۰۰۲ به ۳۱۸ هزار بشکه رسید. (واحدی، الیاس، جلد دوم، ۱۳۸۵: ۲۷۵) بدون شک علت اصلی این افزایش توجه شرکت‌های غربی به سرمایه‌گذاری در منابع نفت جمهوری آذربایجان بوده است. بر خلاف نفت در زمینه تولید گاز طبیعی، جمهوری آذربایجان هر سال روند نزولی داشته است در این زمینه از ابتدای استقلال کشور به جز سال ۱۹۹۹ در سایر سال‌ها نسبت به سال قبل کاهش تولید در زمینه گاز طبیعی مشاهده می‌شود. حوزه‌های بزرگ نفتی جمهوری آذربایجان در مناطق فراساحلی دریای خزر واقع شده‌اند این حوزه‌ها عبارتند از آذری، چیراغ و گونشلی. سایر حوزه‌های نفتی که عمده‌ترین آنها عبارتند از: لنکران دینز، تالش دینز، دان اولدوزو،

اشرفی، یالاما، آبشرون، نخجوان، کورداشی، کپز و الو که جمهوری آذربایجان بر سر مالکیت حوزه نفتی کپز با ترکمنستان اختلاف دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز بر سر مالکیت حوزه نفتی البرز که جمهوری آذربایجان آن را الو می‌نامد با این کشور اختلاف دارد. حوزه گاز طبیعی شاه دینز بزرگترین حوزه گاز جمهوری آذربایجان است که در ۶۰ مایلی جنوب شرق باکو در آب‌های دریای خزر قرار دارد.

جمهوری آذربایجان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با اقتصاد بحران زده رو به رو گردید. این کشور سعی می‌کند با تکیه بر ذخایر وسیع نفت و گاز، خود را از بحران موجود رهایی دهد. اقتصاد جمهوری آذربایجان تقریباً وابسته به نفت و فرآورده‌های نفتی است. پیشرفت نسبی صنایع سنگین این جمهوری در نتیجه گسترش قابل توجه صنایع نفت و گاز طبیعی در این کشور بوده است. از نظر ژئوپلیتیکی نفت جمهوری آذربایجان همیشه دارای اهمیت بوده است. از اواسط قرن نوزدهم تا پایان این قرن، هنگامی که این منطقه بخشی از امپراتوری روسیه بود، مناطق نفت خیز باکو نیمی از تقاضاهای نفت دنیا را تولید می‌کرد. در زمان جنگ جهانی دوم، هنگامی که از طرف آلمان به روسیه حمله شد، هیتلر سعی کرد که حوزه‌های نفتی قفقاز و باکو را تصرف نماید؛ زیرا که تصرف مناطق نفت خیز باکو بخشی از استراتژی تسلط جهانی وی بوده است. (اسدی کیا، بهناز، ۱۳۷۴: ۶۷)

مواضع ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر

مسئله تقسیم دریای خزر و رژیم حقوقی آن از جمله عناصر تاثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است. دریای خزر یک مسئله سرزمینی است و به لحاظ تامین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور، خصوصاً ایران که مناطقی از شمال کشور را در قرون گذشته از دست داده‌اند از حساسیت خاصی برخوردار است. طبق دیدگاه ایران رژیم حقوقی دریای خزر باید با توجه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین شود و اگر کشورهای ساحلی اصرار بر تقسیم دریا داشته باشند، حداقل سهم ایران، ۲۰ درصد در سطح منابع آبی و همچنین بستر دریا خواهد بود. در مقابل، از دیدگاه جمهوری آذربایجان سطح آب دریای خزر می‌تواند به صورت مشاع مورد بهره‌برداری مشترک

کشورهای ساحلی قرار گیرد اما بستر دریا باید بر اساس طول خطوط ساحلی کشورها تقسیم شود. (برزگر، ۱۳۸۶)

جمهوری آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، همواره حامی دو الگوی "دریاچه" و "دریا" بوده است. این کشور در ابتدا، طرفدار (شناسایی خزر به عنوان یک دریاچه) و تقسیم آن با در نظر گرفتن استقلال و حاکمیت کامل کشورهای ساحلی خزر بود. پیشنهاد دیگر جمهوری آذربایجان برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، موضع‌گیری آن بر مبنای اصول مربوط به (آب‌های آزاد) است. این جمهوری خواهان اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل حقوق دریاها است و این امر توسط این کشور از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ در دریای خزر اجرا می‌شود. در صورت پذیرش این پیشنهاد، هر دولت ساحلی از ۱۲ مایل دریایی سرزمینی و ۲۰۰ مایل منطقه ویژه اقتصادی برخوردار خواهد بود. به همین دلیل، روسیه و ایران با اجرای رژیم حقوقی دریاچه‌ها و دریاها در مورد دریای خزر مخالف هستند.

موضوع انتقال نفت جمهوری آذربایجان به بازارهای جهانی

موضوع مسیرهای انتقال نفت جمهوری آذربایجان و در کنار آن نفت قزاقستان و گاز طبیعی ترکمنستان به بازارهای جهانی در حال حاضر غلبه ماهیت سیاسی بر ماهیت اقتصادی آن، از مهمترین مباحث منطقه‌ای است و حل این مسئله را بیش از پیش دشوارتر می‌کند.

در ابتدا برای انتقال نفت جمهوری آذربایجان چندین مطرح شد و تنها در پنج مورد زیر مذاکرات به طور رسمی برگزار گردید.

(۱) خط لوله شمالی: باکو - نووروسیسک؛

(۲) خط لوله غربی: باکو - سوپسا؛

(۳) خط لوله جنوبی: باکو - ایران؛

(۴) خط لوله شرقی: خطی که از طریق افغانستان و پاکستان می‌گذرد؛

(۵) خط لوله جنوب غربی: باکو - جیحان.

خطوط لوله باکو- ایران و باکو - پاکستان از ابتدا با واکنش گسترده‌ای روبرو شدند. در واقع از طریق خط لوله باکو - ایران می‌توان نفت جمهوری آذربایجان را از مسیر ایران به خلیج فارس و از آنجا توسط نفتکش‌ها به بازارهای جهانی فرستاد. لیکن این مسیر با مخالفت امریکا

روبرو شد. در نهایت به دنبال مذاکراتی که بین کنسرسیوم بین‌المللی نفت جمهوری آذربایجان و دولت آذربایجان در مورد انتقال نفت جمهوری آذربایجان برگزار شد، تعداد مسیرهای پیشنهادی به سه مسیر باکو - نوروسیسک، باکو - سوپسا و باکو - جیحان کاهش یافت. (آراز آسلانلی و ایلهم حسن اوف، ۱۳۸۶: ۷۷)

د) سیاست (داخلی و خارجی) جمهوری آذربایجان

جبهه خلق به رهبری ابوالفضل علی‌اف (معروف به ایلچی‌بی) در آغاز استقلال جمهوری آذربایجان، توانست با استفاده از فضای ملی‌گرایی، حکومت این کشور را در دست گیرد. اما جنبش آرامنه قره‌باغ که در سال ۱۹۸۸ آغاز شده بود، جمهوری آذربایجان را با بحران بزرگ جدایی طلبی و تجزیه و در نهایت جنگ روبرو ساخت. در آن شرایط علی‌رغم کمک‌های بشر دوستانه ایران از جمله تأمین مواد غذایی، کمک‌های بهداشتی درمانی دارویی و خدمات بیمارستانی به مجروحان نظامی و غیر نظامی جنگ قره‌باغ، به جمهوری آذربایجان تبلیغات شدید ضد ایرانی جبهه خلق سبب گردید روابط دو کشور از همان آغاز دچار بحران شود. در این دوره سیاست خارجی ایران، اعلام بی‌طرفی و در برخی موارد میانجیگری و دعوت به مذاکره و توصیه به حل مسائل در درون منطقه بود. با این وجود محافل سیاسی و حکومتی طرفدار ترکیه و غرب که منافع خود را در خطر می‌دیدند، دامنه این اتهامات را گسترش داده و شکست‌های پی در پی جبهه خلق را به ایران منتسب کردند.

به این ترتیب روابط رو به گسترش دو کشور همسایه از آغاز با سوءظن مواجه شد. پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف روند مناقشات و جنگ بین آرامنه قره‌باغ و جمهوری آذربایجان ادامه یافت و در نهایت بخش‌های دیگری از خاک جمهوری آذربایجان جدا گردید. او نیز ناگزیر به امضای قرارداد آتش‌بس در چارچوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در می سال ۱۹۹۴ شد. پس از این رویداد جمهوری آذربایجان برای حفظ بقا و تمامیت ارضی خود، در پی جلب حمایت قدرتهای فرامنطقه‌ای چون ایالات متحده آمریکا و اسرائیل شده است. حیدر علی‌اف کوشش کرد در فضای کشور زمینه حضور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی غرب را فراهم آورد تا از این رهگذر و با ادغام ساختارهای اقتصادی، سیاسی جمهوری آذربایجان با منابع غرب، از جمله پیوستن به طرح مشارکت برای صلح، عضویت در شورای اروپا، اعزام سربازان جمهوری آذربایجان به افغانستان و عراق، رویارویی با جنبش‌های

اسلام‌گرایانه، جمهوری آذربایجان را در جرگه کشورهای مورد حمایت غرب وارد کند و در کنار تثبیت پایه‌های حکومت خود و حل مشکلات اقتصادی، بحران قره‌باغ را نیز حل کند. با این حال جمهوری اسلامی از ظرفیت بالقوه‌ای برای گسترش روابط با جمهوری آذربایجان برخوردار است و گسترش روابط دو کشور به طور کلی در حوزه اقتصادی و سیاسی بوده است.

بخش دوم: تجزیه و تحلیل

الف) تأثیر منابع انرژی (نفت و گاز) جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اگر چه بیش از یک صد سال است که نفت و گاز جمهوری آذربایجان به طور مستمر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد اما تا قبل از فروپاشی شوروی نفت و گاز این کشور چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. پس از فروپاشی شوروی منابع انرژی این منطقه مورد توجه کشورهای منطقه و جهان واقع شد و به صحنه رقابت بازیگران منطقه‌ای و جهانی تبدیل گردید. در حقیقت فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان و سایر جمهوری‌های آن کشور در سال ۱۹۹۱ پایان جنگ سرد را به همراه داشت و ماهیت قدرت که تا آن زمان نظامی بود، تغییر و به اقتصادی تبدیل شد. یکی از مسائل مهم در بحث اقتصاد تأمین انرژی است که به عنوان یک مسئله راهبردی برای جهان غرب به شمار می‌آید. برخی از فعالیت‌های مهم سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در جمهوری آذربایجان، تلاش جهت انزوای ژئوپلیتیکی و مهار جمهوری اسلامی ایران و عبور لوله‌های نفت و گاز از محور شرق به غرب و حضور مستقیم نظامی در حوزه دریای خزر و استفاده از منابع انرژی آن، رقابت با روسیه در فضای بعد از جنگ سرد و گسترش ناتو به سوی شرق است. از سویی آذربایجان تلاش می‌کند هر چه بیشتر از سلطه روسیه خارج شود. البته با توجه به اینکه در این کشور نیروی متخصص و امکانات فنی برای استحصال و انتقال نفت و گاز وجود ندارد، زمینه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قالب کنسرسیوم‌های نفتی و سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز در آن کشور را فراهم آورده است. با این حال وجود منابع نفت و گاز در جمهوری آذربایجان فی‌نفسه تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود ولی اینکه نفت توسط چه کشورهایی و از چه مسیری ترانزیت می‌شود تأثیرات متفاوتی را بر امنیت ملی ایران دارد. در

صورتی که استحصال نفت و گاز جمهوری آذربایجان با توافق کشورهای منطقه و همکاری کشورهای بی طرف انجام می گرفت، موجب همگرایی کشورهای منطقه می گردید و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور نفتی با توجه به تجارب ارزنده ای که در خصوص استخراج نفت و پالایش آن دارد، می توانست همکاری های زیادی با جمهوری آذربایجان داشته باشد؛ از سوی دیگر، اگر انرژی از طریق ایران ترانزیت می گردید، موجب تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی و بنیه اقتصادی ایران و همگرایی در همه زمینه ها و از بین رفتن تهدیدات در شمال کشور و در نتیجه تقویت امنیت ملی ایران می گردید. ولی آنچه که مشخص است نفت این کشور و حوزه دریای خزر توسط کشورهای فرامنطقه ای خصوصاً آمریکا استحصال و از مسیر باکو - تفلیس - جیحان منتقل می شود. در واقع ترانزیت انرژی جمهوری آذربایجان و حوزه دریای خزر از مسیری غیر از ایران باعث تقویت رقباتی منطقه و فرامنطقه ای ما خواهد شد.

الف) تأثیر موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از کشورهای قفقاز جنوبی بعد از منابع انرژی (نفت و گاز) دومین عاملی است که به عنوان پشتوانه برای این کشور نقش آفرینی می کند. اراضی این جمهوری به عنوان بخشی از قفقاز در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی برتر و کلیدی برخوردار بوده و به سبب این موقعیت همواره در معرض توجه دولت ها و قدرتهای بزرگ قرار داشته است. آذربایجان چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران بزرگ قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهار راه مواصلاتی شرق - غرب و شمال - جنوب قرار داشته و هنوز هم علی رغم ایجاد راه های ارتباطی جدید این موقعیت را حفظ کرده است. به طوری که می توان ادعا کرد اگر این کشور کوچک فاقد نفت و گاز هم بود باز قابلیت این را داشت که همچنان در کانون توجهات دیگران قرار گیرد. بی شک توجه برخی سازمان های بین المللی مانند ناتو بیش از آنکه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیایی آن است؛ همچنان که برای قدرتهای اروپایی و آمریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت استراتژیک هستند غیر قابل چشم پوشی می باشند.

موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان به دلایل متفاوت می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران مهم باشد:

۱) دو تکه بودن جمهوری آذربایجان

دو تکه بودن جمهوری آذربایجان باعث گردیده است تا بسیاری از نیازهای اقتصادی آذربایجان از طریق ایران تأمین شود و بدون کمک‌های اقتصادی و همکاری‌های نزدیک ایران با جمهوری خود مختار نخجوان، با خاک اصلی جمهوری آذربایجان این ارتباط برقرار نخواهد شد. با توجه به این موقعیت ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران تاکنون نخواستار است از آن در جهت تحمیل اراده سیاسی و به عنوان اهرم فشار بر جمهوری آذربایجان استفاده نماید.

۲) قرار گرفتن جمهوری آذربایجان در خشکی و نیاز به مسیر ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد و مسیرهای مناسب حمل و نقل

هر چند جمهوری آذربایجان می‌تواند از طریق دریای خزر و به واسطه کانال‌های ولگا - دن - دریای سیاه و نیز ولگا - بالتیک با دریای مدیترانه و دریای بالتیک و مجموعاً اقیانوس‌های هند و اطلس ارتباط برقرار کند. ولی این کانال‌ها پاسخگوی نیازهای حمل و نقل ناشی از گسترش روابط اقتصادی، تجاری این کشور با دنیای خارج را ندارند و جمهوری آذربایجان نیازمند بهره‌گیری از موقعیت کشورهای ترانزیت و واسط نظیر ایران، گرجستان و ارمنستان است. به هر حال جمهوری آذربایجان کشوری است دارای موقعیت بری و برای تماس با دنیای خارج به ایران و روسیه و سایر همسایگان خود وابسته است.

۳) پیوستگی و مجاورت جغرافیایی و همسایگی

جمهوری آذربایجان به خاطر شرایط ویژه خود برای جمهوری اسلامی ایران یکی از همسایگان مهم محسوب می‌شود و از طرفی همسایگی با قدرت بزرگی مانند ایران برای جمهوری آذربایجان فرصت خوبی است زیرا ایران همواره حامی کشورهای همسایه بوده است. از طرفی، ایران می‌تواند نقش مثبتی در حل و فصل بحران قره‌باغ داشته باشد. همچنین در زمینه اقتصادی، بخش اعظم مواد غذایی، پوشاک و سایر کالاهای نخجوان از

طریق ایران تأمین می‌شود. از سوی دیگر دو کشور می‌توانند با تقویت کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور، فعالیت اتاق مشترک بازرگانی، صنایع و معادن، ایجاد بانک‌های مشترک، تأسیس انجمن‌های دوستی، ایجاد تشکل‌های خصوصی توسعه تجارت از سوی بخش خصوصی بویژه بازرگانان و تجار دو کشور و استاندارد سازی کالاهای صادراتی، روابط تجاری دو جانبه را افزایش داده و با حضور آسان‌تر در بازارچه‌های استان‌های مرزی سهم بیشتری از بازار منطقه را بدست آورند. همچنین وجود رود ارس در مرز مشترک دو کشور نیز زمینه همکاری‌های متقابل در امور بهره برداری آب و برق را فراهم آورده است.

۴. بحران قره‌باغ

دگرگونی‌های عمیق جغرافیای سیاسی بوجود آمده، منطقه جمهوری آذربایجان را درگیر جریان‌اتی کرده است که به طور جدی امنیت ملی و منافع ایران را تحت تأثیر قرار داده است. بطور کلی مسئله‌ای چون قره‌باغ پس از فروپاشی شوروی به یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است و این رویداد مهم تا حدودی ایران را از دسترسی به راه‌های حمل و نقل و راه آهن قفقاز، دریای سیاه و روسیه محروم ساخته است. تحت تأثیر این بحران مرزهای ایران با ارمنستان و جمهوری آذربایجان دست‌خوش تغییرات خطرناکی شد که ناشی از جنگ قره‌باغ بود.

۵. اختلاف دو کشور در مسئله رژیم حقوقی دریای خزر

با وجود مذاکرات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته است دو طرف هنوز در این باره اختلاف نظر دارند. ایران خواستار استفاده برابر و تقسیم مساوی یعنی ۲۰ درصد منابع دریای خزر میان کشورهای اطراف آن است. اما جمهوری آذربایجان خواستار تقسیم دریای خزر بر اساس طول خطوط ساحلی هر کشور در دریای خزر است که به طور آشکار مورد موافقت ایران قرار نخواهد گرفت.

۶. جهت‌گیری غربی جمهوری آذربایجان و مجاورت جغرافیایی با ایران

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خلاء قدرت در منطقه و رویکرد غرب‌گرایانه جمهوری آذربایجان همچنین طولانی بودن مرزهای زمینی و آبی این کشور با ایران باعث

گردیده نهادهای نظامی و امنیتی برخی کشورها توجه ویژه‌ای به مناطق پیرامونی ایران در جمهوری آذربایجان داشته و تلاش آنها بر این است تا مناطق اطراف ایران را به حوزه‌های تهدید علیه امنیت ملی ایران تبدیل نمایند.

۷. جمهوری آذربایجان و مسئله تأمین و انتقال انرژی به بازارهای بین‌المللی

مسیر انتقال انرژی از طریق ایران با وجود این که به باور کارشناسان امن‌ترین و با صرفه‌ترین مسیر از نظر اقتصادی است ولی کشورهای غربی و جمهوری آذربایجان نه تنها علاقه‌ای به انتقال نفت و گاز از مسیر ایران و روسیه نشان نداده‌اند بلکه همواره بر مسیر باکو به سمت دریای سیاه یا ترکیه تأکید می‌کردند و در پایان جمهوری آذربایجان با انعقاد قراردادهای بزرگ استخراج نفت کشور خود با شرکت‌های غربی توانست این پروژه را با سرمایه‌ای بالغ بر ۴ میلیارد دلار و با حمایت آمریکا به مرحله بهره‌برداری برساند که آغاز به کار خط لوله نفت باکو- جیحان به معنای تغییر در جغرافیای انرژی منطقه بود.

ج) تأثیر جمعیت (قومیت و مذهب) جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در کشور جمهوری آذربایجان از حیث تجانس و اشتراک‌های دینی به علت غیر دینی (لایک) بودن سیستم حکومتی هر گونه فعالیت عمیق مذهبی به عنوان فعالیت سیاسی و تحریک آمیز تلقی شده و همواره مورد سؤال دستگاه‌های امنیتی قرار می‌گیرد. انجام اقدامات فرهنگی به معنای گسترش فرهنگ اسلامی بایستی با رعایت تمامی مسایل مرتبط با موضوعات امنیتی صورت گیرد. واضح است که جمهوری آذربایجان به لحاظ اشتراک‌های تاریخی، آداب و رسوم و فرهنگ قرابت فراوانی با ایران داشته و این نکته‌ای است که توجه به آن ضروری بوده و می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت ژئوپلیتیکی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد هر چند برخی‌های جناح‌های حکومت در آن کشور از این عامل به عنوان نقطه تهدید در کشور خود یاد می‌کنند. اگر چه جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعه در جهان است اما به علت آثار به جای مانده از دوران ۷۰ ساله کمونیسم، حساسیت دولت نسبت به هرگونه فعالیت مذهبی مانع از بهره‌گیری از اشتراکات مذهبی در جهت تأمین منافع مشترک شده‌است.

برخی جناح‌ها و جریان‌های سیاسی در کشور آذربایجان و عمدتاً با تحریک عوامل بیگانه، برخی ادعاها را نسبت به اقوام ایرانی تکرار می‌کنند. البته چنین تحولاتی تأثیری بر رویکردها و رفتار قوم آذری ایران به دلیل احساسات گرم میهن پرستانه و اسلامی آنان نداشته است. علاوه بر این جمهوری آذربایجان خود بخشی از حوزه تمدن ایرانی است و حتی تأکید بر جمهوری آذربایجان به نحوی تأکید بر هویت ایرانی محسوب می‌شود. البته سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان از بدو استقلال این کشور همواره دوستانه و توأم با ملایمت بوده و به علت حسن همجواری تاکنون از این گونه فرصت‌ها بر علیه آن کشور استفاده نشده است.

د) تأثیر سیاست جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

رویکردهای سیاسی کشور آذربایجان طی ۱۷ سال گذشته بیانگر این است که در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از مواضع برتر ژئوپلیتیکی خود برای اعمال فشار علیه آن کشور تاکنون استفاده نکرده، جمهوری آذربایجان در مقاطع مختلف سعی کرده است تا از عامل قومیت و سیاست‌های پان‌ترکی فضای سیاسی کشور ما آلوده کند. هم‌زمان سیاست‌های این جمهوری منجر به باز شدن پای دشمنان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به خاک آن کشور و منطقه قفقاز شده است که این مسئله در تضاد کامل با منافع ملی، امنیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است. به نظر می‌رسد سیاست نزدیکی جمهوری آذربایجان به قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس که برای گریز از تهدید روسیه و جلب حمایت در قبال ارمنستان در مناقشه قره‌باغ اتخاذ شده است جزئی از اصول تغییر ناپذیر سیاست خارجی جمهوری آذربایجان است.

نتیجه‌گیری

عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان از قبیل: منابع انرژی (نفت و گاز) و سیاست (خارجی و داخلی) جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است و چنانچه تأثیر جمعیت (مذهب و قومیت) جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران را در طیف پنج گانه‌ای از خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد طبقه بندی کنیم، یافته‌های

تحقیق تأثیر کم این عوامل ژئوپلیتیکی را بر امنیت ملی ایران مورد تأکید قرار می‌دهد و در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران بتواند از فرصت‌های موجود و موقعیت ژئوپلیتیکی برتر خود بخوبی استفاده نماید موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ندارد، در غیر این صورت می‌تواند منبع تهدید باشد.

اعتماد سازی و بهبود روابط با جمهوری آذربایجان در مقام همسایه ایران و در مقام کشوری که مردم آن بیشترین اشتراک‌های مذهبی و فرهنگی را با مردم ایران دارند یکی از الزامات اساسی منافع ملی ایران و در رأس آنها تضمین امنیت ملی ایران است. تیرگی روابط دو کشور ظرفیت قوی‌تری برای بروز بحران‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... میان دو کشور ایجاد می‌نماید. به هر حال زمینه‌های مناسب گسترش و همکاری دو طرف که می‌تواند به بهم پیوستگی و ادغام اقتصادهای دو طرف منجر شود و سطح تنش‌ها و رویارویی را به حداقل برساند بایستی بیشتر بها داده شود.

منابع و ماخذ

۱. آراز، آسلانلی و ایلهام، حسن اوف، ترجمه: قلی زاده - علی ولی، "سیاست خارجی آذربایجان در دوره حیدر علی اف"، ۱۳۸۶.
۲. اسدی کیا، بهناز، "آذربایجان (کتاب سبز)"، تهران موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴.
۳. امیراحمدیان، بهرام (الف)، "ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز، بازیگران دو وجهی"، همشهری دیپلمات، شماره سوم، ۱۳۸۵.
۴. امیر احمدیان، بهرام، "کتاب سبز جمهوری آذربایجان"، انتشارات وزارت امور خارجه، زمستان ۱۳۸۶.
۵. امیر احمدیان، بهرام (ج)، "بررسی کشور شناسی جمهوری آذربایجان"، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (۱۳۸۲).
۶. برزگر، کیهان، "شناسایی عناصر تاثیرگذار در رفتار سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان نسبت به یکدیگر"، سایت خبرگذاری ایران، شهریور ۱۳۸۶.
۷. تراب زاده، منیژه، اکرم، حسین پور، شهیدی، فریبا، وزیر، فهیمه، "ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز"، تهران ۱۳۷۳.
۸. حافظ نیا، محمدرضا، "در جمهوری آذربایجان چه می‌گذرد"، مجله حوزه پاسدار اسلام، آبان ۱۳۷۶ شماره ۱۹۱:
WWW.Hawzah.net/hawzah/magazines/magart.aspx?id
۹. روشندل، جلیل، "امنیت ملی و نظام بین‌الملل"، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۴.
۱۰. کریمی پور، یدالله، "ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید ها"، تهران انتشارات جهاد، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۹.
۱۱. گیتاشناسی، "راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع"، تهران، ۱۳۷۴.
۱۲. مجله مطالعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۸ به نقل از گزارش اداره اطلاعات انرژی منطقه دریای خزر، واشنگتن ۱۹۹۸.
۱۳. واحدی، الیاس، "برآورد استراتژیک آذربایجان، اقتصادی - نظامی"، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، جلد دوم، ۱۳۸۵.